

☆ روی خط خبر

● کیهان کلهر، نوازنده شناخته شده موسیقی ایران روز دوشنبه سیزدهم مردادماه دومین کنسرت آنلاین خود را از شهر اصفهان پیش‌روی مخاطبان قرار می‌دهد. فروردین ۹۸ و در شروع تور «شهر خاموش» قرار کیهان کلهر بر رفتن به اغلب شهرهای کشور، شهرهای مرزی و اجرای رایگان در مناطق محروم بود اما به دلیل شیوع بیماری امکان پذیر نشد. او حالا تصمیم گرفته فعلا اجرا را به صورت آنلاین و رایگان در اینستاگرام و یوتیوب ادامه دهد. پیش از این کیهان کلهر در موزه آگینه تهران اجرای تک نفره رایگان داشت.

● فیلم سینمایی «بندر بند» تازه ترین ساخته منیره حکمت نخستین اکران بین المللی خود را در تورنتو انجام می‌دهد. این فیلم به کارگردانی منیره حکمت و تهیه‌کنندگی مشترک حکمت و مهشید آهنگرانی فراهانی، فیلمی جاده‌ای با چشم اندازهایی از کشورمان و مملو از موسیقی در میانه سیل در ایران است که در نمایش افتتاحیه جهانی، در بخش سینمای معاصر جهان در جشنواره تورنتو روی پرده می‌رود. جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو از بیستم تا بیست و نهم شهریورماه سال جاری در کشور کانادا برگزار خواهد شد.

● گروه اپرای قاهره به مناسبت عید قربان جشنی را در خانه اپرای مصر برگزار می‌کند. قرار است که گروه اپرای قاهره، موسیقی تعدادی از فیلم‌های مشهور کمپانی شناخته شده دیزنی را اجرا کنند. «دیو و دلبر»، «فرزون»، «پینوکیو»، «سیندلرا» و «علاءالدین» از جمله قطعاتی هستند که در این جشن اجرا خواهند شد. گروه اپرای قاهره یک گروه موسیقی ۵۶ ساله در مصر است که تاکنون توانسته جایگاه خوبی میان مردم به دست آورد.

● مرکز تئاتر مولوی، از روز جمعه دهم مردادماه میزبان نمایش «جان‌کاه» به نویسندگی و کارگردانی سعید رسولی است. این نمایش که پیشتر در بخش صحنه‌ای بیست و دومین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی ایران به صحنه رفته، برنده تندیس بهترین نور و کاندیدای بهترین کارگردانی از این جشنواره شده است. □

□ دیالوگ

محمد سریر، موسیقیدان؛ «محمد نوری یکی از هنرمندان گرانقدر بود که در پیوند کاری که داشتیم، آثار بسیاری برای او نوشتم؛ روی اشعار بزرگان ادب و... کارهایی بود که او از صمیم قلب با تمام توان اجرا کرد. به نظرم می‌آید این فرد شاید حداقل در این نزدیکی تکرار نشود. از لحاظ ادب، فرهنگ، تحصیلات ادبی و آواز و نتاثر. نگاه عام به حوزه هنر داشت و همه اینها در او جمع شده بود و شده بود محمد نوری.» □

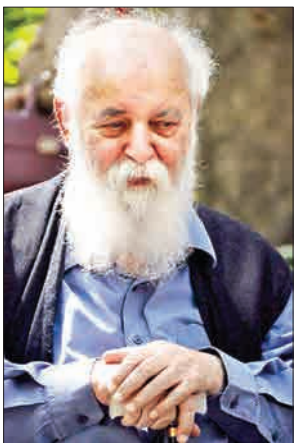


علی اصغر حداد، مترجم؛ «سرقت ادبی را به این شکل می‌شناسم، رادیو و تلویزیون ما سرفت ادبی می‌کنند، یعنی به من می‌گویند که برخی از داستان‌های کوتاه مرا یک شبکه رادیویی پخش می‌کرده، این کاروقتی بدون اجازه و هیچ چیز انجام می‌شود، سرقت ادبی است. نوع دیگر آن هم این است که چیزی را نوشته باشیم و دیگری از روی آن بازنویسی کند، این نوع نسبتا پنهان است که البته در ترجمه ظاهر این چیزها زیاد است. معمولا وقتی مترجمی دوباره اثری را که ترجمه و چاپ شده است ترجمه می‌کند، دو حالت وجود دارد؛ یا ترجمه پیشین را خوانده و مجددا ترجمه می‌کند یا آن را نخوانده است؛ اگر خوانده باشد، تا حدی تحت تأثیر آن است و اگر نخوانده باشد، چرا دوباره باید آن را ترجمه کند؟ چون اگر ترجمه قبلی خوب باشد که نیازی نیست دوباره ترجمه شود.» □



☆ خبر آخر

تازه ترین صحبت های سایه درباره «ارغوان»



«شهرودنا» خواندن شعر «ارغوان» همیشه برای هوشنگ ابتهاج کار دشواری است و او را به گریه می‌اندازد؛ شعری که سال‌ها پیش به یاد درخت ارغوان خانه تهران سروده است. امیر هوشنگ ابتهاج (۵۰ ساله) در نشست مجازی که در خانه ایران مونیخ برگزار شد درباره شعر ارغوان توضیحاتی ارائه کرد. «ارغوان» از مشهورترین اشعار است که او آن را به یاد درخت ارغوان و خانه‌ای که سال‌ها پیش در آن زندگی می‌کرده نوشته است؛ شعری که چندسال پیش علی‌رضا قربانی آن را خواند. ابتهاج درباره کیفیت این قطعه گفت: «ظاهرش خواننده‌ها هم از این راضی هستند، من شنیده‌ام که تا مقدمه شروع می‌شود مردم شروع به دست زدن می‌کنند یعنی دیگر آن راضی شناسند. ولی عیبش این است - که البته حق هم دارند - این شعر برای آواز و تصنیف طولانی است، مقدار زیادی از آن زده شده و یک خرده شعر شل و کور شده، ولی در مجموع حالتی که این شعر به وجود آورده تا حدی در خود شعر جا پایش معلوم است. راستش را به شما بگویم، خواندن این شعر برای من دشوار است، معمولا هم سعی می‌کنم از اول شعر را با لحن دیگری که لحن خودم نیست بخوانم تا به جاهایی که می‌رسد بتوانم به راحتی از آن بگذرم، گاهی هم پادم می‌روم این کار را بکنم و دسته‌گل به آب می‌دهم و خواندن قطع می‌شود.» او در بخش دیگری از صحبت‌هایش از برگزاری جلساتی که یک متکلم وحده و سخنران دارد انتقاد کرد: «همیشه دلم می‌خواهد هر زنگی با جمعیت کمتری معمولا جمع شویم و دایره وار بنشینیم و همه با هم حرف بزنیم. شعرخوانی اگر به صورت درد دل نباشد یا مبادله اندیشه و عقاید نباشد، کار بی‌حاصلی است. ولی مثل اینکه در روزگار ما هنوز رسم نیست، هم شاعر به این کار عادت نکرده و هم شنونده. حدود ۸۰ سال است که من با این زبان شعر آشنایی دارم و خیال می‌کنم قسمت زیادی از آنچه را می‌خواهم بگویم بلدم بگویم، یعنی راه‌حلی برای گفتن آن پیدا کرده‌ام. ولی رساترین شعری که تا امروز داشته‌ام و خیال می‌کنم که از آن راضی هستم در حدود ۴۰ درصد از آن چیزی است که در درون من هست که این به نظرم حداقل است. برای درون آدمیزاد هنوز این وسیله را پیدا نکرده‌ام. ای کاش می‌شد روابط نزدیک‌تری میان گوینده و شنونده وجود داشت و ما مقداری چم و خم کار را با هم مبادله می‌کردیم. کاش گوینده و شنونده رازهای بیان را با هم شریک شوند.» □



شترنج باد؛ سربلند در دادگاه تاریخ

محمد رضا اصلانی: به برخورد های سطحی عادت کرده‌ام

به مرمت شترنج باد بخشی از یک پروژه غیر تجاری با هدف نمایش شاهکارهای سینماست. فیلم بعد از جشنواره کن در فستیوال های مختلف نمایش داده خواهد شد

هم از همین جا آغاز می‌شود. «اصلائی در پاسخ کسانی که ادعا می‌کردند تماشاگر در درک و کشف روابط و ابومعانی فیلم ناتوان می‌ماند، سعی در از گشایی از نوع نگاهش کرده‌است: «برای بودن یک درگیری سطحی مطرح است و گسترش حاکمیت فردی و تثبیت کردن موقعیت، در شدن اما همیشه گسترش قدرت‌ها و نیروها مطرح است. پس رایش هم هست. البته در فیلم بعضی‌ها به شدت از بودن به شدن می‌رسند، یعنی گونه‌ای تحول پس طبیعتا فلسفه هم مدنظر بوده. من هیچ‌گاه از فلسفه جدا نبودم و نیستم و معتقدم که شرقی به ویژه نمی‌تواند از فلسفه جدا باشد و اگر رسیدن به قلب حضور اعرافان بدانیم، پس عرفان هم در فیلم مورد توجه بوده‌است. به اعتقاد من حضور در مقابل هر چهره‌ای عارفانه است و اینکه آدم می‌تواند درباره هر آنچه در درونش می‌گذرد، تفکر کند.»

یک داستان ساده

اماداستان فیلم در سطح رویی برعکس انتقاداتی که در زمان اولین و تنها نمایش فیلم در ایران ابراز شد، نه پیچیده، نه چندان ثقیل و نه غیر جذاب است؛ به خصوص برای تماشاگران امروزی که به هر حال در ۴۵ سالگی از شترنج باد می‌گذرد. با انواع روایت‌های متفاوت و غیر کلاسیک آشنا تر شده‌است، اصلائی در نشست مطبوعاتی جشنواره تهران این موضوع را به زبانی دیگر بیان کرده: «این راهم باید بگویم که در کل شترنج باد یک فیلم جنایی - حادثه‌ای است؛ نوعی هیجان در آن است که وجوه فلسفی فیلم را پنهان می‌کند. متأسفانه توده تماشاگر سینما به این دلیل که سینما را به عنوان سرگرمی باور می‌کنند نه هنر، نوعی پسند منحدر و باور وجود آمده که نادیده گرفتن آن یعنی قطع ارتباط کامل. در این میان تماشاگرانی - در اقلیت البته - هستند که به سینما از دریچه‌ای جدی‌تری می‌نگرند. شترنج باد سعی در ارتباط با هر دوی این نوع تماشاگران دارد، یعنی کوشیده با آنها ارتباط برگیرد. البته نه به این شکل که خود را فدا کند، یعنی من می‌دانم که نمی‌شود با تماشاگر فیلم‌سازی ارتباط برقرار کرد. این البته خواست من است اما به شرطی که خودم راز دست‌نهم، من نمی‌خواهم که تماشاگر را سرگرم کنم. فیلم‌سازی که قصد سرگرم کردن مردم را دارد، مسائل اساسی را لاپوشانی می‌کند»

اصلائی درباره چرایی عدم پرداخت مستقیم خط روایی جنایی فیلم می‌گوید که «درگیری‌های آدم‌های فیلم از جمله درگیری‌های کوچک روزمره نیست. درگیری‌شان از طریق تفکر است. حادثه اگر هست، زاینده این درگیری است. رجزخوانی‌هایی که هست، درست‌تر از خود جنگ است. من معتقدم جنگ آدم‌ها یک برخورد آتی است. طرفی می‌بازد و همه چیز تمام می‌شود اما رجزخوانی می‌تواند تفکر آدم‌ها را نشان دهد و البته شخصیت‌شان را. و در شترنج باد تمام این داستان‌ها را می‌بینیم. محمد رضا اصلانی می‌گوید که ساخت شترنج باد ۱۰ سال طول کشیده؛ یعنی از زمانی که سناریو نوشته شده تا زمانی که سرمایه لازم برای فیلمبرداری مهیا شده. ۱۰ سال گذشته؛ در آن سال‌ها هم مثل امروز ساخت فیلم‌های فرهنگی و هنری چندان راحت نبود؛ یعنی به زغم رشد فرهنگی جامعه در این ۵۰ سال ما جلوتر فته ایم و هنوز هم با همان موانعی درگیریم که در آن زمان وجود داشت. «اصلائی همچنین می‌گوید که مشاهده شرایط ایران در آن سال‌ها و او را به ساخت این فیلم سوق داده‌است. درگیری و تلاش گروه‌های پرشماری برای تصاحب ایران که این‌انگیزه ساخت شترنج باد بود.»

جشنواره کن

نسخه‌ای که در جشنواره کن به نمایش درمی‌آید، با پشتیبانی و حمایت بنیاد فیلم‌های تلین اسکورسبیزی و کمک مالی بنیاد جرج لوکاس صورت گرفته است. این بنیاد در گزارشی که اخیرا منتشر کرده، عنوان داشته که برنامه‌ای مستمر برای مرمت آثار کشورهای کم‌پایه و البته حفظ و احیای آثاری دارد که تاکنون قربانی بدفهمی و تنگ‌نظری‌های سیاسی و فرهنگی شده‌اند. در بخشی دیگر از دستور کار این بنیاد آمده که «آثاری که به عنوان نمونه‌های اعلامی هنر فیلم‌شمرده می‌شوند و اهمیت فرهنگی، تاریخی و هنری ویژه‌ای دارند به وسیله بنیاد مرمت و احیا خواهند شد.»

پیش از شترنج باد فیلم‌های ابراهیم گلستان از جمله «خشت و آینه» «تپه‌های مارلیک» و «خانه سیاه است»؛ فروغ فرخ‌زاد، «رگبار» بهرام بیضایی و چند فیلم عباس کیارستمی نیز در برنامه مرمت فیلم‌های کلاسیک این بنیاد قرار داشته‌اند. حتی در دوره گذشته فستیوال وینز هم فیلم‌های گلستان در بخش ویژه‌ای به نمایش درآمده‌اند. که در آن روزها گزارش ویژه‌ای در «شهرودنا» درباره این بخش به چاپ رسید. □

«یولادامین» تازمانی که تماشاگر سینما را صرفا سرگرمی می‌پندارد من نمی‌توانم در ارتباط با او پیشقدم شوم. من شوم نیستم، لوطی عنتری هم نیستم، من فیلم‌سازم و وظیفه‌ام جز سرگرم کردن است. به همین علت هم پرداخت فیلم من هیجان‌ساز نیست، این خط قصه را برگزیده‌ام چون مفهومی را که در پشت این ظاهر حرکت دارد بهتر القای می‌کند. «اینها صحبت‌های محمد رضا اصلانی در پاسخ به عکس‌العمل‌های موجود درباره فیلم شترنج باد است. نخستین فیلم بلند محمد رضا اصلانی که در هیاهوی جنجال‌ها و حاشیه‌ها و هو کردن‌ها و دست و سوت و کف‌زدن‌ها توانست جایگاه خودش را پیدا کند و به خصوص در پنجمین دوره جشنواره تهران موفقیتی کسب نکرد. نمایش شترنج باد در پنجمین دوره جشنواره تهران در آذر سال ۵۵ با واکنش مایوس‌کننده و سطحی بیشتر تماشاگران فیلم روبه‌رو شد. تاحدی که اصلائی در یکی از جنجالی‌ترین گفت‌وگوهای مطبوعاتی جشنواره فیلم تهران گفت: «چنین عکس‌العمل‌هایی تقریبا برای من عادت شده‌است؛ چون اغلب با آن مواجه بوده‌ام و این به علت آن است که کارهایم مختصاتی برخلاف سینمای متداول دارد. سینمای متداول ایران متأثر از سینمای فرنگی است و این نوعی عادت در تماشاگران به وجود آورده‌است که نمی‌توانند کارهای متفاوت با آن تحمل کنند.» حالا ۴۵ سال بعد از آن روزهای پر حاشیه، جشنواره فیلم کن اعلام کرده که نسخه‌ای از اولین فیلم بلند محمد رضا اصلانی که بنیاد مارتین اسکورسبیزی آن را ترمیم کرده در کنار آثاری چون «در حال و هوای عشق» ساخته وونگ کاروای، «آکاتونه» ساخته پیر پائولو پاولینی، «جاده» فدریکو فلینی، «از نفس افتاده» لوک گدار و «ماجرای میکل‌آنجلو» آنتونیونی در بخش کلاسیک‌های کن ۲۰۲۰ به نمایش درخواهد آمد؛ تایک‌با دیگر ثابت‌شده‌ها، نه سانسور، نه سلیقه مخاطب و نه هیچ عامل دیگری نمی‌تواند یک اثر هنری را مدافع کرده و در داد و تاخت خود بهترین قاضی است که در گذر زمان با نفع هنر و تفکر درست حکم می‌دهد. □

محمد رضا اصلانی که فیلم‌سازی را از سال ۶۹ با فیلم «کوتاه» (در بدبده) «در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» آغاز کرده بود به گفته جمال امیندر تاریخ سینمای ایران در جشنواره‌هایی که به نمایش درآمد گفتا هوی تماشاگران شد، بعدها در تمام کارنامه‌اش با این کاربوس مواجه بود؛ به خصوص در حیطه فیلم بلند که هر دو ساخته بلند سینمایی‌اش «شترنج باد» و «آتش سبز» با برخوردهای تند و عصبی مخالفان و منتقدانی روبه‌رو شدند که اتفاقا پر شمار هم بودند. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که هم محمد رضا اصلانی پیش از ساخت نخستین فیلمش در مقام همکار فیلم‌نامه‌نویس در فیلم «تنگنای امیرزاد» و صبح روز چهارم کامران شیردل به‌گوش سید هود که اگر چه جزوبنده سینمای آن روزگار محسوب نمی‌شدند نشان تعلق به موج نو آنها؛ اهمیت ذاتی می‌بخشید، اما با هر متر و معیاری جزوسینمای سخت فهم آن روزگار نیز نبودند و می‌شدن و تعلق خاطر به دنیای سینمای اجتماعی بالحن اروپایی را نیز در آنها دید. □

اولین فیلم اصلائی اما حکایتی دیگر داشت...
شترنج باد
شترنج باد با تصاویر نقاشی‌گونه هوشنگ بهارلو و بازی‌های درخشان محمد علی کشاورز، فخری خوروش و شهره آغداشلو که به وسیله بهمین فرمان‌آرا تهیه شده، داستانش را در اوایل قرن خورشیدی در خانه‌ای اشرافی در تهران روایت می‌کند: بزرگ خانواده - خانم بزرگ - می‌میرد و او را شو - خانم کوچک - اقلیج است و بنا بر این بر سر تصاحب ثروت خانوادگی بین آتابک، ناپدری خانم کوچک، کنیریک، دایه پیرا در زاده‌های ناپدری مناقشه درمی‌گیرد و همه به جان هم می‌افتند و در نهایت همه به جز کنیریک قربانی ثروت خانوادگی می‌شوند. یکی از پر جزئیات‌ترین و خلاقانه‌ترین آثار سینمای متفاوت ایران که در ظاهر یک داستان جنایی است، اما در بطن ماجرا دروازی داستانی که روایت می‌کند، هم از فساد فراتر دوره قاجاری می‌گوید، هم از شکاف‌های اجتماعی و ظهور طبقه متوسط و هم اینکه به نوعی آینده ایران را پیش‌بینی می‌کند. یا به گفته ساتیا جیت رای فیلم‌ساز بزرگ هندی و رئیس هیات‌دوران جشنواره فیلم تهران در سال نمایش این فیلم، «یک داستان با بیان و پرداختی نامتعارف که درک آن نیازمند ارتباطیادنیای فلسفی کارگردانش است.»

بیان نامتعارف فیلم در زمان نمایشش برای تماشاگران ثقیل بود همین هم موجب بدفهمی‌های بسیاری شد؛ به خصوص تماشاگرانی که در درک لحن فیلم سرگردان مانده بودند. محمد رضا اصلانی خود اما فیلمش را فیلمی نه چندان پیچیده توصیف می‌کند: «شترنج باد یک فیلم معمولی است با قصه و حرفی درباره ارتباط عاطفی نداشتن میان آدم‌ها. اینکه هر کسی با خودش را می‌زند، حرصی برای بوی... نه شدن، اختلاف و کشمکش آدم‌ها